



مطالعه تطبیقی - تاریخی جرم قوادی در حقوق ایران و فرانسه

پژمان پورزند مقدمه

مقدمه:

پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران، قانون مجازات بیش از هر قانون دیگری دستخوش تغییر و تحول گردیده و شالوده قانون مجازات سال ۱۳۵۲ - اگر نگوئیم قانون بی نقص اما قطعاً کم نقص بود در هم پیچیده شد. این روند با تصویب قانون حدود و قصاص در سال ۱۳۶۱ آغاز شد و در سال ۱۳۷۵ با تصویب قانون مجازات اسلامی، با هفتصد و بیست و نه ماده پایان پذیرفت (لااقل فعلاً). در این راستا، جرایمی که در محدوده اعمال منافی عفت مطرح می شدند، دچار دگرگونیهای ژرف ساختاری شده، اساساً متحول گشتند. (۱) پس از انقلاب، بررسی نهادها و تأسیسههای ویژه قانون مجازات اسلامی از اهم کارهای حقوقدانان قرار گرفت؛ اما به جهت فرهنگ خاص ایران، نویسندگان رغبت چندانی به بررسی این گونه جرایم علی‌رغم اهمیتشان

نشان نمی دهند و حتی در کتب تفصیلی حقوق جزای اختصاصی که بعد از انقلاب به رشته تحریر درآمده است، به نحو بسیار گذرا و سطحی از این جرایم عبور می کنند و یا اساساً آن را مطرح نمی سازند. همین امر ما را بر آن داشت تا یکی از موضوعات مهم را که بسیار کم مورد عنایت و توجه نویسندگان قرار گرفته است، تحت بررسی و مطالعه قرار دهیم.

تعریف:

معنی لغوی واژه «قوآد» و معنی اصطلاحی آن واحد است. در فرهنگ معین چنین می خوانیم: «قوآد: کسی که واسطه شهوترانی دیگران است». از دیدگاه دستوری، قوآد بر وزن فَعَال صفت شغلی را می رساند و «قوآدی» حاصل مصدر است و دلالت بر فعل شخص قوآد دارد.

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، مواد (۱۳۵) الی (۱۳۸) به جرم قوآدی

اختصاص یافته، به علاوه در ماده (۶۳۹) همین قانون (بخش تعزیرات) نیز اشاراتی در این باب رفته است که در ذیل به تحلیل این مواد خواهیم پرداخت.

ماده (۱۳۵) ق.ا.م.ا، در تعریف قوآدی می گوید:

«قوآدی عبارت است از جمع و مرتبط کردن دو نفر یا بیشتر برای زنا یا لواط»

در قانون مجازات عمومی سابق، مقنن از ارائه تعریف اجتناب ورزیده، اما بند سوم از ماده (۲۱۱) این قانون، واژه «قوآد» را به کار برده و برای آن مجازات تعیین نموده بود.

ماده (۲۱۱) مذکور اشعار می داشت: «اشخاص ذیل به حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال و به تأدیه غرامت ۲۵۰ الی ۵۰۰۰ ریال محکوم می شوند....»

بند سوم - قوآد یا کسی که فاحشه خانه دایر و یا اداره می کند و یا زنی را برای شهوترانی به

غیر اجیر نماید».

شهید اول در مقام تعریف قوادی می‌گوید: «الجمع بین فاعلی الفاحشه» (۲) یعنی، قیادت، جمع کردن میان دو انجام دهنده کار زشت است. (۳)

در تحریر الوسیله، در این باره چنین آمده است: «هی الجمع بین الرجل والمرأة اوالصبیة للزنا او الرجل بالرجل اوالصبی للواط...» (۴) یعنی، قوادی عبارت است از جمع نمودن بین زن و مرد یا صبیبه، برای زنا یا مرد به مرد یا بچه برای لواط. در قانون مجازات

فرانسه مصوب ۱۹۹۳ م، نظیر این تعاریف را می‌توان در بند اول از ماده (۲۲۵۶) جستجو نمود؛ مقنن فرانسه برقرار کننده ارتباط میان دو نفر برای رابطه نامشروع جنسی را در شمول عنوان «پروکستیسیم» (۵) دانسته که در جای خود به تفصیل بدان خواهیم پرداخت.

بررسی رکن مادی جرم:

الف) جمع و مرتبط نمودن

«جمع و مرتبط نمودن»، هر دو فعل مادی خارجی هستند. از سیاق عبارت ماده (۱۳۵) ق.م.ا، چنین به نظر می‌رسد که مقنن «جمع» و «مرتبط نمودن» را به ترادف مورد استفاده قرار داده و هدف او اخذ معنی واحد بوده است؛ به کارگیری حرف عطف «و» نیز مؤید همین نکته می‌باشد؛ اما، شاید بتوان از دیدگاه حقوقی بین این دو قایل به تفکیک شد.

وجود رابطه عموم و خصوص مطلق:

به نظر می‌رسد مفهوم «مرتبط نمودن» اوسع از مفهوم «جمع نمودن» باشد. «جمع نمودن» را باید ناظر به فراهم نمودن شرایطی جهت ملاقات و آشنایی حضوری طرفین دانست؛ به نحوی که دو نفر یا بیشتر که سابقاً

یکدیگر را نمی‌شناخته‌اند، (۶) پس از این ملاقات یکدیگر را شناخته و برای انجام اعمال منافی عفت توافق می‌کنند. چنانچه شخص قوادی، از خانم (الف) دعوت نماید که در فلان رستوران یا پارک یا سینما و یا منزل شخصی او یا منزل شخص ثالثی و یا هر مکان دیگر، آقای (ب) را که تمایل به برقراری رابطه نامشروع دارد ملاقات نماید؛ اینکه فی‌المجلس عمل منافی عفت میان (الف) و

«مرتبط نمودن» شامل برقرار

سافتن هر گونه ارتباطی می‌شود، قواده مضموری

باشد؛ یعنی یک نفر به طور فیزیکی و مادی با شخص

دیگر ملاقات کند، قواده آنکه از طرق ارتباطی دیگر مانند

تلفن یا عکس یا فیلم انجام گیرد. منتها باید دقت

نمود که عمل طرف به نموی باشد که عرفاً

مصدق «مرتبط نمودن» قرار گیرد

پاسخ به یک ایراد؛ شاید به نظر رسد چنین تعبیری از «مرتبط نمودن» نوعی تفسیر موسع است و اصل مشهور تفسیر قانون به نفع متهم را مخدوش می‌نماید. در پاسخ باید گفت، این ایراد چندان موجه نیست؛ زیرا عبارت مقنن اطلاق دارد، لذا چنانچه هدف او از «مرتبط کردن» تنها ایجاد آشنایی به طور حضوری می‌بود، باید آن را ذکر می‌کرد و طبق قواعد اصول، اکنون که کلام قانونگذار از هر بیته‌ای برای تقیید موضوع خالی است، لفظ را بر عدم وجود آن قید حمل کرده، اصالت ظهور را مجری می‌دانیم.

ب) مباشرت جرم

در مباشرت جرم قوادی، جنسیت مؤثر در مقام نیست. (۷) لذا قوادی ممکن است زن یا مرد باشد. این موضوع از صریح ماده (۱۳۸) قانون مجازات اسلامی قابل استنباط است. ماده (۱۳۸): «حد قوادی برای مرد... و برای زن...»

بدیهی است برای امکان انتساب بزه به شخص مباشر، فرد مذکور باید واجد شرایط اربعه تکلیف (عقل، بلوغ، اختیار و قصد) باشد. در موارد اضطرار، اکراه و اجبار حکم قضیه پیرو مسائل عمومی قانون مجازات می‌باشد. لذا اگر فردی شخص دیگر را با تهدید مؤثر، وادار سازد که فرضاً دو نفر را جهت انجام اعمال مذکور در ماده (۱۳۵) با یکدیگر جمع سازد، در این صورت مجازات شخص قوادی منتفی خواهد بود و در این مورد نیز طبق مقررات عمومی مربوط به تهدید و اجبار درباره شخص مکره تصمیم‌گیری خواهد شد.

ج) موضوع جرم

با وسیله جرم و تمییز آن از زیان دیده از جرم (از دیدگاه جامعه‌شناسی جنایی)

(ب) و نتج شود یا موکول به زمان یا مکانی دیگر گردد اساساً داخل در رکن مادی جرم قوادی نیست.

اما «مرتبط نمودن» شامل برقرار ساختن هر گونه ارتباطی می‌شود، خواه حضوری باشد؛ یعنی یک نفر به طور فیزیکی و مادی با شخص دیگر ملاقات کند، خواه آنکه از طرق ارتباطی دیگر مانند تلفن یا عکس یا فیلم انجام گیرد. منتها باید دقت نمود که عمل طرف به نحوی باشد که عرفاً مصداق «مرتبط نمودن» قرار گیرد. چنانچه شخصی با نشان دادن عکس خانم (الف) به آقای (ب) و جلب تمایل و رضایت او و یا بالعکس، تلفن را در اختیار (ب) بگذارد تا برای انجام عمل زنا قرار و مدار بگذارند.

موضوع جرم عبارت است از دو طرفی که بین آنها توسط شخص قوآد رابطه برقرار می‌شود. اگر از این اشکال که «وسیله» نامیدن اشخاص و افراد انسانی چندان صحیح به نظر نمی‌رسد اغماض کنیم، می‌توان گفت که کسانی که در میانشان رابطه برقرار خواهد شد، در حقیقت نقش وسیله جرم را بازی می‌کنند؛ زیرا قوآدی واقع نخواهد شد مگر در صورت وجود لااقل دو نفر که قوآد اسباب آشنایی آن دو را فراهم خواهد نمود.

آنچه جای مذاقه فراوان دارد، تشخیص زیان دیده از جرم است. اولین پرسشی که متبادر به ذهن می‌شود این است که آیا همان طرفینی را که ما از آنها به عنوان موضوع یا وسیله جرم نام بردیم، می‌توانند مشمول وصف زیان دیده از جرم قرار گیرند یا خیر؟

بسیار بعید به نظر می‌رسد که بتوان کسانی را که خود در انجام امری میل و رغبت نشان می‌دهند و بعضاً از دیگری

(شخص قوآد) می‌خواهند و یا اصلاً او را اجیر می‌کنند تا فرد دیگری را برای برقرار کردن رابطه جنسی نامشروع با آنها بیابد، بتوان زیان دیده از جرم به معنی خاص کلمه دانست! گرچه شاید بتوان از دیدگاه جامعه‌شناسی جنایی و یا تحقیقات جدید بزه‌دیده‌شناسی، افرادی که در میانشان به واسطه عمل شخص قوآد رابطه برقرار می‌شود، بزه‌دیده قلمداد نمود، زیرا اینان خود قربانیان اجتماع هستند، حتی در مواردی که با قصد و میل و رغبت به سوی عمل نامشروع گام نهاده باشند.

گاه از دیدگاه صرف حقوقی نیز ممکن است این گونه افراد را بزه‌دیده محسوب کرد؛ زیرا چه بسیار اشخاص پاک و بی‌آلایش

که به جهت همین پاکی و صداقت خود در دام پلیدان و شیطان صفتان گرفتار آمده، به سوی اعمال خلاف سوق می‌یابند.

اما به اعتقاد ما، بزه‌دیده حقیقی اجتماع است. بررسی جامعه شناختی و جرم‌شناختی در این زمینه خود مجال جداگانه‌ای رامی‌طلبد و در این مختصر نیز هدف ما این‌گونه بررسیها نیست؛ اما به همین اندازه اکتفا می‌کنیم که، رواج این جرم را در درازمدت باید از علل اساسی متزلزل شدن خانواده‌ها، بالا رفتن سن ازدواج بالاخص در جوامع شهری و ... دانست.

اگر فردی شفص دیگر را با

تهدید مؤثر، وادار سازد که، فرضاً دو نفر را جهت انجام اعمال مذکور در ماده (۱۳۵) با یکدیگر جمع سازد، در این صورت مجازات شفص قوآد منتفی خواهد بود و در این مورد نیز طبق مقررات عمومی مربوط به تهدید و اجبار، در بازه شفص مگره تصمیم‌گیری خواهد شد

نمی‌باشد، برای ارتکاب این جرم، مجازاتهای بسیار سنگینی پیش‌بینی شده (۸).

بازگشت به بحث اصلی

تذکره: قوآد ممکن است رابطه میان دو جنس مخالف باشد یا دو مرد. این مطلب هم‌از لفظ عام «دو نفر» مستفاد می‌شود و هم از عبارت «... برای زنا یا لواط». به علاوه، مدلول ماده صرفاً «زنا یا لواط» را شامل می‌شود و نه سایر اعمال منافی عفت از قبیل مساحقه، تفخیز و ... به عبارت دیگر، قانونگذار به طور منجز تنها جمع و مرتبط کردن دو نفر را برای زنا و لواط داخل قوآدی دانسته، لذا سایر موارد از این حکم خارجند. پس اگر شخصی دو یا چند نفر زن را برای مساحقه مرتبط سازد یا دو یا چند زن و مرد را برای رابطه‌ای جز زنا (مثلاً تقبیل و مضاجعه) جمع کند، مشمول این ماده نخواهد بود، گرچه این موضوع مورد توافق تمامی حقوق‌دانان و فقها نمی‌باشد. (۹)

(د) ارتکاب واحد، شرط لازم و کافی برای حدوث رکن مادی

قوآدی، باب چهارم از کتاب حدود قانون مجازات را به خود اختصاص داده است و مانند سایر مواردی که در این کتاب مورد تقنین قرار گرفته‌اند، ارتکاب واحد برای حدوث رکن مادی آن کافی است. به عبارت دیگر، شرط عادتی بودن یا تکرار و استمرار در اینجا مطرح نیست؛ یعنی هرگاه کسی حتی برای یک بار مرتکب عمل جمع یا مرتبط نمودن شود، مجرم محسوب می‌شود؛ لذا ضرورتی ندارد تا شخص حرفه خود را قوآدی قرار داده باشد. این موضوع را باید یکی از وجوه افتراق بین قانون مجازات اسلامی و قانون مجازات عمومی سابق دانست که در جای خود

در موارد اول، قوآد با فعل ننگین خود عملاً با از راه به در بردن یکی از زوجین بدو اسباب بدگمانی طرف دیگر سپس دلسردی و خشم و انتقام و نهایتاً متارکه را فراهم خواهد نمود و در مورد دوم نیز، از آنجایی که اساساً طبیعی‌ترین انگیزه برای ازدواج جوانان را باید در میل جنسی آنان جستجو نمود، قوآد با ایجاد امکانات کاذب بهره‌برداری جنسی، این مهم‌ترین انگیزه را از بین می‌برد و بالا رفتن سن ازدواج گرچه دارای علل فراوانی است، اما معلول این علت نیز می‌باشد. بی‌جهت نیست که در کشوری مثل فرانسه هم که محدودیت جنسی مطلقاً مورد توجه مقنن

به تفصیل بدان خواهیم پرداخت. (۱۰)

اما با این استنتاج، اساساً از محدوده جرم قوادی خارج خواهیم شد؛ زیرا قانون صراحت دارد در جمع دو یا چند نفر به منظور زنا یا لواط. به نظر نویسنده، جستجوی دو گونه سوءنیت (عام و خاص) در تمامی جرایم ضروری به نظر نمی‌رسد، مگر آنکه ماهیت جرم آنرا ایجاب نماید، لذا در مانحن‌فیه، بهتر است از وجود سوءنیت به معنی عام کلمه (یعنی بدون تفکیک به خاص و عام) سخن گوئیم و این نکته را به یاد داشته باشیم که این هدف از دو بعد قابل بررسی است: اول؛ هدف از ارتکاب جرم برای مباشر، دوم؛ هدف از ارتکاب جرم برای موضوع جرم.

۱) هدف از ارتکاب جرم برای مباشر جرم:

قانونگذار در این باره ساکت بوده و آنجا هم که می‌گوید: «... برای زنا یا لواط»، امر دیگری را مطرح نظر داشته و نه هدف را.

از دیدگاه جرم‌شناسی، پیش از همه، جلب منافع مادی و سود

اقتصادی برای شخص قوادی، به عنوان هدف، مطرح است. پس اولین گام، جلب ثروت و اندوخته مالی می‌باشد و بعید به نظر می‌رسد که کسی را بیاییم که صرفاً، برای ملوث نمودن اجتماع و به بیراهه کشیدن افراد و بدون قصد تمتع مادی و احیاناً جنسی، اقدام به این عمل نماید.

۲) هدف از ارتکاب جرم برای موضوع جرم:

چنانچه دیدیم، منظور از موضوع جرم، همان دو یا چند نفری هستند که به کمک قوادی به یکدیگر مرتبط می‌شوند. وقتی مقنن می‌گوید «... برای زنا یا لواط»، غرض افراد موضوع جرم را مدنظر قرار داده و

نه شخص قوادی را (اگر چه شخص قوادی هم از آن مطلع است)

مسئله: همان طوری که در تعریف دیدیم، قوادی عبارت است از جمع یا مرتبط نمودن دو نفر یا بیشتر برای زنا یا لواط. پس هرگاه جمع یا مرتبط نمودن برای جز زنا یا لواط باشد، قضیه منتفی است و از شمول تعریف خارج می‌باشد. حال پرسش آن است که شخص به منظور زنا یا لواط اقدام به مرتبط نمودن دو یا چند نفر نماید، اما هیچ یک از این دو عمل واقع نشود؛ مثلاً شخصی به آشنا کردن خانم (الف) با آقای (ب) (که خود نیز قصد زنا دارند)، مکانی را برای انجام عمل مذکور

بسیار بعید به نظر می‌رسد که

بتوان کسانی را که خود در انجام امری

میل و رغبت نشان می‌دهند و بعضاً از

دیگری (شخص قوادی) می‌خواهند و یا اصلاً او را اجیر

می‌کنند تا فرد دیگری را برای برقرار کردن رابطه جنسی

نامشروع با آنها بیاید، بتوان (یا) دیده از جرم

به معنی فاص کلمه دانست

فراهم می‌کند، اما به جهتی از جهات (خواه به اراده (الف) و (ب) خواه بدون اراده آن دو) زنا واقع نمی‌شود؛ در این مسئله، به نظر ما در وقوع جرم قوادی تردیدی وجود ندارد؛ زیرا رکن مادی، به طور کامل در عالم خارج حدوث یافته، مضاف بر آنکه تحقق قوادی متوقف بر تحقق زنا یا لواط نشده است که هرگاه این دو عمل انجام نگرفتند، قوادی محقق نباشد، بلکه زنا یا لواط صرفاً، نشان‌دهنده هدف جرم است و بس. لذا هرگاه شخصی دو نفر را با یکدیگر به منظور زنا یا لواط مرتبط ساخت، قوادی حادث شده، خواه زنا یا لواط صورت

بگیرد یا خیر.

آیا قوادی جرم عادت‌ی است؟

شاید بهتر بود تا این عنوان را ذیل رؤس مرتبط به رکن مادی مطرح می‌ساختیم، اما به جهت اهمیت، آن را جداگانه بررسی می‌کنیم و در این راستا به تحول این جرم از زمان تصویب قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ تا قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و به تغییر ماهیت قوادی از لحاظ عنصر مادی آن پی می‌بریم.

به اعتقاد برخی حقوقدانان، در قانون مجازات عمومی سابق، قوادی یا واسطه‌گری وقتی مصداق جرم قرار می‌گرفت که به عنوان یک حرفه باشد و در حقیقت عنصر مادی مستلزم اعمال متعددی می‌شد که هر یک از آن اعمال منفرداً قابل تعقیب نمی‌بودند. (۱۱)

رویه قضایی ایران در این زمینه متفق نبوده، بلکه متشت است. اختلاف نظر موجود در میان آرای صادره از شعب دیوان عالی کشور مؤید همین امر می‌باشد.

به موجب رأی ۵۸۴۳/۱۸۰ مورخ ۱۳۱۶/۱/۲۹ شعبه دوازدهم دیوان عالی کشور: «کلماتی که در فقرات این ماده (منظور ماده (۲۱۲) قانون مجازات عمومی می‌باشد) ذکر شده، عادت و حرفه را می‌رساند و برای صدق عنوان آن تکرار عمل لازم است؛ بنابراین، یک دفعه ارتکاب کسی به بزه قوادی، انطباقی با این ماده ندارد».

اما رأی ۲۰۰۳ مورخ ۱۳۲۱/۷/۱۲ (۱۳) صادره از شعبه دوم و ۲۶۴۶/۱۰۰۱۸ مورخ ۱۳۱۶/۱۲/۱۰ همان شعبه، برخلاف نظر بالا صادر شده‌اند:

«در شق ۱ و ۲ ماده (۲۱۱)، عادت به عمل، شرط تحقق بزه قرار داده شده ولی در سوم، شرطی ملحوظ نگردیده است؛ بنابراین، اگر کسی یک مرتبه هم مرتکب قوادی شود بزهکار محسوب شده و مشمول "۳" خواهد بود.»

پس از انقلاب اسلامی و تصویب قانون حدود و قصاص، ماهیت عادی بودن جرم قوادی به کلی زیر سؤال می‌رود (گرچه همانطوری که بیان شده، قبل از انقلاب هم این موضوع چندان مورد جد و یقین نبود) با توجه به نص قانون مجازات اسلامی، استنباطاً این است که صرف یک بار انجام عمل نیز قوادی تلقی شده بخصوص با لحاظ اینکه قوادی از جرایم مشمول حد است و در تمامی حدود یک بار انجام عمل کافی بر تحقق جرم می‌باشد و به نظر می‌رسد که جرم ساده و آنی است و نه عادی و تکراری.

برخلاف برخی از آرای دیوان عالی کشور ایران، پیش از انقلاب، که قوادی را اساساً جرم عادی می‌شناخت و به بیان دیگر عادت را از ارکان تشکیل دهنده جرم مذکور می‌دانست، رویه قضایی فرانسه و دکترین معتقد به عکس آن است و از این بابت قانون فعلی ایران بیشتر با حقوق فرانسه همسو و هم‌جهت می‌باشد. در رأی شعبه جنایی دیوان عالی کشور فرانسه مورخ ۱۸ ژوئیه ۱۹۸۹ م، آمده است:

("tiled ud fitutitsnoc tneleme nu sap tse' n edutibah'lemem ed ...")

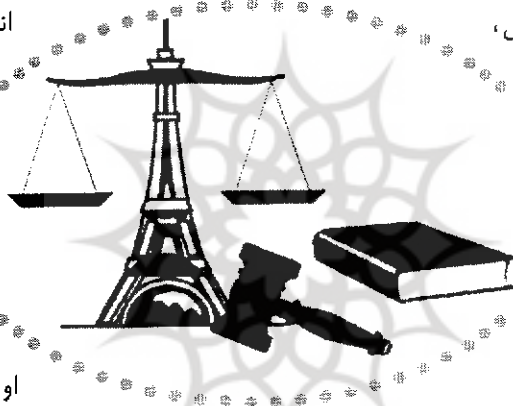
مجازات:

در قانون مجازات عمومی، برای شخص قوادی، حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال و تأدیه غرامت دویست و پنجاه الی پنج هزار ریال

مقرر شده بود و گاه به جهت وجود شرایط مشدده، به دو تا چهار سال حبس افزایش می‌یافت.

در قانون مجازات اسلامی، قوادی از جرایم علیه حقوق بوده، مشمول حد است و به همین جهت گذشت شاکی خصوصی در آن مطرح نمی‌باشد. حد برای مرد، هفتاد و پنج تازانه و تبعید می‌باشد و حد برای زن، فقط شامل ۷۵ ضربه تازانه می‌شود.

تذکر اینکه، قوادی از محدود مواردی است



که شرع انور، میان مجازات اناث و ذکور تفاوت نهاده؛ به نظر می‌رسد مقرر نمودن مجازات تبعید برای زنها، به جهت مشکلات فردی و اجتماعی ناشی از آن و در نتیجه بروز معضلات و مفسده‌های دیگر باشد.

بررسی جرم قوادی در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴:

بر خلاف قانون مجازات فعلی که در این باره، باب خاص و جداگانه‌ای گشوده و در موارد مجزایی به بررسی جرم قوادی (تعریف، راههای اثبات جرم و مجازات) پرداخته است، قانون سابق به تأسی از قانون مجازات فرانسه (۱۶)، این جرم را در کنار جرایم مشابه که به نحوی از انحا مربوط به

تسهیل، گسترش، پشتیبانی و امرار معاش از راه روابط نامشروع بود، مطرح می‌ساخت.

وفق ماده (۲۱۱) آن قانون: «اشخاص ذیل به حبس از شش ماه تا سه سال و به تأدیه غرامت از ۲۵۰ الی ۵۰۰ ریال محکوم می‌شوند:

۱) کسی که عادتاً جوان کمتر از هجده سال تمام را اعم از ذکور و اناث به فساد اخلاق و یا شهوترانی تشویق کند و یا فساد اخلاق... و شهوترانی آنها را تسهیل نماید.

۲) کسی که عادتاً دیگری را اعم از ذکور و اناث به منافیات عفت وادار و یا وسایل ارتکاب را برای او فراهم سازد.

۳) قوادی یا کسی که فاحشه‌خانه دایر و یا اداره کند و یا زنی را برای شهوترانی غیر اجیر نماید.

۴) کسی که جوان کمتر از هجده سال تمام را برای شهوترانی غیر ببرد و یا او را وادار به رفتن کند و یا او را برای این مقصود اجیر کند. اگر مرتکب یکی از جرمهای فوق شوهر یا پدر یا مادر یا

قیم یا یکی از اشخاص دیگر مذکور در قسمت اخیر بند «الف» ماده (۲۰۷) باشد، به دو تا سه سال حبس مجرد محکوم خواهد شد؛ همین حکم در موردی نیز مقرر است که مرتکب متوسل به عنف یا تهدید شده باشد و یا شخصی را که در مورد او جرم واقع شده است،

سابقه فحشای اخلاقی نداشته باشد؛ حکم به مجازاتهای مذکور در این ماده در صورتی نیز صادر خواهد شد که شروع و ارتکاب جرم در مملکت واحد به عمل نیامده باشد.»

بدو باید متذکر شد که قوادی (به معنی خاص: واسطه‌گری) تنها یکی از مصادیق مورد شمول ماده مارالذکر می‌باشد که در بند

"۳" آمده است، اما در سایر بندها (۲، ۱ و ۴) به موارد دیگر پرداخته شده.

این قانون درباره تعریف قوادی ساکت است؛ گرچه، شاید مقنن به خاطر معین بودن مفهوم قوادی از ارائه تعریف خودداری کرده باشد. اما این امر ضرورت تجیز تعریف توسط مقنن را زایل نمی‌سازد و در هر صورت، عدم تعریف، نقطه ضعف محسوب می‌گردد. همان طوری که گفته شد، جز بند سوم ماده فوق، سایر موارد پیش‌بینی شده از محدوده بحث قوادی خارج هستند، اما برای بررسی تطبیقی حقوق ایران و فرانسه ناگزیر از تحلیل بقیه موضوعات نیز خواهیم بود.

۱) تشویق و تسهیل شهوترانی:

بند اول از ماده (۲۱۱)، ناظر به فرضی است که شخص، جوان کمتر از هجده سال را (اعم از ذکور و اناث) به فساد اخلاق یا شهوترانی تشویق کند یا فساد اخلاق یا شهوترانی آنها را تسهیل نماید. در این زمینه باید به چند نکته دقت کرد:

الف) کاربرد قید تکرار «عادتاً» مبین آن است که این اعمال زمانی جرم است که حرفه شخص مرتکب محسوب شود. مفهوم مخالف آن، این است که اگر شخصی یک بار یا حتی بیشتر مرتکب این اعمال گردد ولی عرفاً «حرفه» او تلقی نشود، داخل در حکم نخواهد بود.

ب) شرط خاص برای موضوع جرم: موضوع جرم، شخص یا اشخاصی هستند که بر اثر عمل شخص دیگر به شهوترانی و فساد اخلاق کشیده می‌شوند. در مانحن فیه، مقنن، جنسیت را شرط ندانسته، اما صغر سن (زیر هجده سال تمام) را در نظر قرار داده؛ لذا تشویق و تسهیل شهوترانی و فساد اخلاق زمانی جرم محسوب می‌شود که شخص موضوع جرم به هجده سال تمام نرسیده باشد.

ج) سابقه فساد اخلاق جوان هجده ساله، سلب مسئولیت از متهم نمی‌کند؛ یعنی، جوانی که فساد اخلاق یا شهوترانی او تسهیل می‌شود، خواه سابقه در امور مزبور داشته یا نداشته باشد، تشویق و تسهیل کننده قابل تعقیب و مجازات است. (۱۷)

۲) وادار ساختن به منافیات عفت یا فراهم کردن وسایل ارتکاب آن:

بند دوم، شرط سنی را که در بند قبلی برای موضوع جرم وجود داشت، از بین می‌برد و دو

از واژه قوادی می‌باشد؛ زیرا کاربرد حرف ربط، دو طرف ربط را هم معنی جلوه می‌دهد و باعث استنباط ناصواب می‌گردد. به عبارت دیگر، سیاق عبارت «قوادی» را به معنی کسی که فاحشه خانه دایر می‌کند یا اداره می‌کند، نشان می‌دهد که در واقع این امر منظور نظر قانونگذار نبوده است و استفاده نادرست «یا» باعث ایجاد این تعبیر شده. بنابراین، این اشکال با جایگزین کردن حرف عطف «و» برطرف می‌شود که البته با تصویب قانون مجازات اسلامی و نسخ صریح قانون مجازات عمومی، رفع اشکال از این ماده، سالبه به انتفای موضوع خواهد بود.

ماده (۶۳۹) قانون مجازات فعلی اشعار می‌دارد: «افراد زیر به حبس از یک تا ده سال محکوم می‌شوند و در مورد بند «الف» علاوه بر مجازات مقرر، محل مربوط به طور موقت با نظر دادگاه بسته خواهد شد: الف) کسی که مرکز فساد یا فحشا دایر یا اداره می‌کند.

ب) کسی که مردم را به فساد یا فحشا تشویق نموده یا موجبات آن را فراهم نماید. در دو بند فوق و نیز بندهای ماده (۲۱۱) که تا کنون مورد بررسی قرار داده‌ایم، به عبارتی از قبیل «تشویق کند»، «تسهیل ارتکاب نماید»، «وسایل ارتکاب را فراهم آورد»، «تشویق نموده یا موجبات آن را ایجاد کند» برخورد می‌کنیم که تمامی اینها از مصادیق معاونت در جرم هستند (۱۸). از حیث نظری، همه این اعمال به نوعی معاونت در زنا، معاونت در لواط و معاونت در سایر اعمال منافی عفت محسوب می‌شوند، اما از آنجایی که قانون به طور خاص برای آنها مجازات تعیین نموده، مطابق همان ماده خاص، با این گروه از مجرمین رفتار

به اعتقاد برخی محققان، در قانون مجازات عمومی سابق، قوادی یا واسطه‌گری وقتی مصداق جرم قرار می‌گرفت که به عنوان یک مرفه باشد و در محیقت عنصر مادی مستلزم اعمال متعددی می‌شد که هر یک از آن اعمال منفرداً قابل تعقیب نمی‌بودند

رکن مادی مختلف برای تحقق جرم پیش‌بینی می‌نماید:

اول- وادار ساختن.

دوم- فراهم کردن وسایل ارتکاب.

۳) قوادی و دایر کردن فاحشه خانه و اداره آن:

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، ماده (۶۳۹) به همین مسئله اختصاص یافته است. لذا بند سوم ماده (۲۱۱) و ماده (۶۳۹) را توأمان مورد تحلیل و مذاقه قرار می‌دهیم.

ایرادی که از لحاظ دستوری و نگارشی بر بند سوم وارد است، به کار بردن حرف «یا» پس

می‌شود و نه تحت عنوان معاون در زنا یا معاون در لواط و....

تبصره «دو» ماده (۴۳) قانون مجازات اسلامی، مشعر بر این است که هرگاه برای معاونت جرمی مجازات خاص در قانون یا شرع وجود داشته باشد، همان مجازات اجرا خواهد شد.

توجه: «منظور از دایر کردن فاحشه‌خانه این است که کسی محلی را برای عمل فحشا مهیا یا اداره کند، به نحوی که فاحشه‌خانه بر آن صدق نماید و تحقق این معنی موقوف به این نیست که غیر از دایر کننده کسی دیگر

در آن محل با وصف فاحشگی تحت نظر او باشد. بنابراین، اگر فاحشه‌ای در محل معینی شخصاً آماده برای پذیرایی باشد، به عمل او دایر کردن فاحشه‌خانه صدق می‌کند» (۱۹)

کیفیات مشدده: علاوه بر شرط سنی که موضوع جرم واقع شده (کمتر از هجده سال) و خود از کیفیات مشدده برای مرتکب جرم است، بند "۴" به فرضی اشاره می‌کند که جوان کمتر از هجده سال توسط یکی از اقربای درجه اول خود (پدر یا مادر یا شوهر) ویا قیم، وادار به شهوترانی شود و یا او برای این مقصود اجیر گردد. قرابت شخص و قیمومت (که در حقیقت مبین اعتماد واطمینانی است که قانون در اموری مربوط به صغیر به فرد دیگر روا می‌دارد)، از کیفیات مشدده شخصی بوده؛ از این رو، مجازاتی که در صدر ماده آورده شده (شش ماه تا سه سال حبس) به دو تا چهار سال افزایش می‌یابد.

قوادی و بزهکاری و بزه‌دیدگی اطفال و جوانان:

توجه خاص به اطفال و جوانان کمتر از

هجده سال تمام را در رابطه با جرم قوادی و جرایم مشابه، باید از نکات ارزشمند و ممتاز قانون مجازات عمومی سابق دانست؛ اما متأسفانه این مهم چندان مورد توجه قانونگذار اسلامی قرار نگرفته است. برای پیشگیری از فجایع تبهکاران و حمایت از اطفال، در قوانین اکثر کشورها، خرید و فروش، ربودن و ترغیب و تشویق اطفال به فساد مخصوصاً فاحشگی و دایر کردن و



اداره مراکز فساد فراهم ساختن موجبات آن از جمله قوادی جرم، تلقی گشته و برای آن مجازات پیش‌بینی شده است. نظر به اینکه ربودن، خرید و فروش و قاچاق اطفال و جوانان برای فعالیت در مراکز فحشا و فساد، در کشورهای مختلف به وسیله باندهای تبهکاران بین‌المللی انجام می‌گیرد، لذا پیشگیری از آن، نیازمبرم به همکاری بین‌المللی دارد.

طبق مواد (۳۴، ۳۵ و ۳۶) کنوانسیون حقوق اطفال که در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ م، در مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسیده، سازمان مذکور از ملل عضو، تقاضا کرده که با تدوین قوانین، اتخاذ تصمیمات لازم و اجرایی روشهای اداری، اجتماعی و تربیتی از بهره‌برداری جنسی و اعمال

خسونت علیه اطفال و ترغیب و تشویق آنان به فساد و فحشا و روابط نامشروع و غیرقانونی جلوگیری به عمل آورند. (۲۰)

قوادی در حقوق فرانسه

در ادبیات حقوقی فرانسه، «قوادی» (به معنی خاص کلمه: واسطه‌گری) یکی از مصادیق جرم «Proxenetisme» (۲۱) است که شامل مجموعه جرایم مشابه در جهت گسترش و پشتیبانی از فحشا و فساد و اعمال منافعی عفت و بهره‌برداری از زنان روسپی و کسب درآمد از طرق یاد شده می‌شود. از آنجایی که در حقوق ایران برای مجموعه این جرایم عنوان خاص وضع نشده است، به ناچار ما در این مقاله، قوادی به معنی عام را معادل «Proxenetisme» و قوادی به معنی خاص (واسطه‌گرو واسطه‌گری) را معادل «entremetteur» و «entremetteur» به کار خواهیم برد.

در قانون مجازات قدیم فرانسه (مصوب ۱۸۰۸)، ماده (۳۳۴) بیه «Proxenetisme» اختصاص یافته بود؛ (۲۲)

ماده (۳۳۴): «اشخاص زیر (اعم از زن یا مرد)، قواد (به معنی عام کلمه) محسوب شده و قطع نظر از مجازات شدیدتری که محتمل است به جبهتی خاص بر مجرمی تحمیل گردد، به حبس از شش ماه تا سه سال و جریمه نقدی ۵۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰ فرانک مجازات می‌شوند:

- ۱- فردی که به هر طریقی، دیگری را در فاحشگی کمک و دستیاری نموده و یا حمایت کند یا او را برای این امر جلب و ترغیب نماید.
- ۲- شخصی که، به هر نحو ممکن، خود را در عایدات حاصل از فاحشگی دیگری سهیم

بداند یا مبلغی به عنوان حق یا سهم خوداز فردی که به‌طور دایم به این عمل اشتغال دارد، دریافت کند.

۳ - کسی که عالماً با شخصی که به‌طور دایم به فاحشگی می‌پردازد، زندگی نماید.

۴ - کسی که با داشتن روابط دایمی با یک یا چند نفر از اشخاصی که به‌طور دایم به فاحشگی مشغولند، قادر به توجیه ممر در آمد و امرار معاش خود نیست. (۲۳)

۵ - کسی که فردی را حتی بزرگسال (بالغ) و حتی با میل و رضایت خاطر خود او برای فاحشگی، استخدام نماید و یا مایل و مشغول سازد و یا او را به شهوترانی بگمارد.

۶ - کسی که بین افرادی که خود را به فاحشگی یا شهوترانی مشغول داشته‌اند و اشخاصی که از فواحش بهره‌برداری کرده و در مقابل به آنها پول می‌پردازند، واسطه شود. (۲۴)

۷ - کسی که با تهدید، فشار، مانور یا هر وسیله دیگر از توقیف احتیاطی، کنترل و یاری و بازپروری فواحش و یا کسانی که در معرض خطر فاحشگی هستند توسط ارگان‌های مشخص قانونی شود.

تذکر: از آنجایی که با تصویب قانون جزایی جدید در فرانسه، قانون فوق از درجه اعتبار ساقط شده‌است، لذا از هر گونه توضیحی درباره آن اجتناب ورزیده و به قانون جدید مصوب ۱۹۹۳ م، می‌پردازیم.

قوادی در قانون مجازات مصوب ۱۹۹۳:

مقنن فرانسوی، از ماده (۵-۲۲۵) تا (۱۲-۲۲۵)، که شامل هشت ماده می‌شود، به موضوع «Proxenetisme» پرداخته‌است و به وضوح پیداست که سیاست کیفری کشور مذکور در آغاز قرن بیست و یکم که روابط جنسی حد و مرزی برای خود نمی‌شناسد، بر

تشدید مجازات و سختگیری هرچه بیشتر در این باره تعلق گرفته‌است. چنان‌که دیدیم، در قانون قبل صرفاً یک ماده در این رابطه

پیش‌بینی شده بود.

در ماده (۲۲۵)، قانونگذار فرانسوی، مواردی را تحت عنوان «Proxenetisme» مطرح می‌سازد و در ماده بعدی (۶-۲۲۵) به امور مشابه (یا اصطلاحاً شبه قوادی) می‌پردازد. (۲۵)

«پروکسنیتسیم» عملی است که به وسیله هر کس و به یکی از طرق زیر صورت پذیرد:

۱ - کمک کردن و همکاری یا حمایت از



فاحشگی دیگری.

۲ - انتفاع جستن از فاحشگی دیگری، از عایدات ناشی از آن سهم بردن یا کسب مبلغی به عنوان سهم و حق از شخصی که به‌طور دایم به فاحشگی اشتغال دارد.

۳ - اجبر کردن، سوق دادن یا منحرف نمودن شخصی برای فاحشگی، وارد کردن، اجبار و اکراه به شخص برای اینکه خودفروشی کند یا به انجام آن ادامه دهد.

مرتکب «پروکسنیتسیم» به پنج سال حبس و یک میلیون فرانک جریمه نقدی محکوم

می‌شود.

«قوادی» به معنی خاص «واسطه‌گری» در ماده بعدی، یعنی (۶-۲۲۵) از موارد شبه «پروکسنیتسیم» دانسته شده و دقیقاً همان مجازات مذکور در ماده قبلی برایش پیش‌بینی گشته (۲۶)

«عملی که توسط هر کس و به یکی از طرق زیر انجام گیرد، شبه پروکسنیتسیم بوده، مرتکب به کیفر پیش‌بینی شده در ماده (۵-۲۲۵) مجازات می‌شود:

۱ - واسطه شدن میان دو نفر که یکی از آن دو به فاحشگی مشغول است و دیگری که در مقابل پرداخت وجه شخص فاحشه رامورد بهره‌برداری (جنسی) قرار می‌دهد...

پی‌نوشت‌ها:

۱ - دکتر آشوری، محمد، عدالت کیفری، تهران ۱۳۷۶، ص ۲۰۴.

۲ - شهید اول، لمعه، تهران ۱۳۷۰، ص ۲۴۵.

۳ - دکتر فیض، علیرضا، ترجمه کتاب لمعه، تهران ۱۳۷۲، ص ۲۴۴.

۴ - آیتا... العظمی خمینی (ره)، تحریرالوسیله، جلد ۴، دفتر انتشارات اسلامی، ص ۲۰۰.

5 - Proxenetism

۶ - ذکر این نکته ضروری است که منظور از «نمی‌شناخته‌اند» اعم است از آنکه شاید از پیش باهم آشنایی داشته‌اند اما یکدیگر را به عنوان کسی که حاضر به انجام عمل زنا و یا لواط باشد نمی‌شناخته‌اند و یا اساساً نسبت به هم فاقد شناخت هستند.

7 - Henri capitant presses universitaires de France. 1996. p.664. 1.8

۸ - در برخی موارد پنج سال زندان و یک میلیون فرانک جریمه نقدی (ماده ۵-۲۵۵ قانون مجازات جدید فرانسه) و گاه ده سال حبس و ده میلیون فرانک جریمه نقدی (ماده ۷-۲۵۵ همان قانون).

۹ - دکتر فیض، علیرضا و دکتر مهذب، علی، ترجمه کتاب لمعه، تهران ۱۳۷۲، ص ۲۴۴.

۱۰ - رجوع شود به عنوان «آیا قوادی جرم عادت‌ی است؟» از همین نویسنده مقاله.

۱۱ - دکتر شامبیانی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، ج ۱، تهران ۱۳۷۲، ص ۳۶۱.

۱۲ - مجموعه حقوقی، شماره ۱۹، سال ۱۳۱۶.

۱۳ - مجموعه حقوقی، شماره ۱۱، سال ۱۳۲۱.

۱۴ - مجموعه حقوقی، شماره ۴۰، سال ۱۳۱۷.